

لفظ غمام و غيوم در آثار مبارکه بهائی

محمد افنان

لفظ **غمام** به معنی ابر سفیدی است که آسمان را بپوشاند و در آثار مبارکه بهائی به تلویح روحانی مکرر آمده است. لفظ **غمام** مفرد است و جمع آن **غمائم** است، ولی کمتر در آثار مبارکه آمده است. لفظ دیگری نیز که به معنای ابر است، **غیم** می باشد که در حقیقت بنا بر نظر اهل فن، مقلوب کلمه میخ فارسی است؛ اما در آثار مبارکه فقط لفظ جمع آن که **غیوم** باشد، مکرر آمده است. و متداول ترین ترکیبات آن **غیوم کثیفه** است که کثیف در این ترکیب، به معنی متراکم و غلیظ است و از لفظ کثیف به معنی و مفهوم متداول در فارسی کاملاً متفاوت است.

سابقه **غمام** را در قرآن باید جست. نخست در آیاتی که مربوط به بنی اسرائیل است که خداوند سایه ابر بر آنها انداخت تا آنها را از تابش خورشید محفوظ دارد که با توجه به آیات دیگر، مقصود حفظ آنها از اعراض و انحراف از اوامر حضرت کلیم است؛ اما یک مورد آن مربوط به وعود آتیه و ظهور الله است. در سوره بقره آیه ۲۱۰ چنین آمده است:

«هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظللٍ من الغمام والملائكة وقضى الامر والى الله ترجع الامور.»

در تورات و انجیل نیز لفظ ابر و **غمام** به مفهوم مقام تجلی حق جل جلاله به خلق مکرراً به کار رفته است. برای نمونه موارد ذیل نقل می شود:

«چون ابواب عنایت مفتوح می گردید و **غمام** مکرمت مرتفع و شمس غیب از افق قدرت ظاهر می شد.» (کتاب ایقان)

«فسوف تنظرون الینا علی غمام من نوروان الملک قد کان عند الله العلی فی شأنها علی الحق بالحق مکتوبا.» (قیوم الاسماء، سورة الاشارة، ۳۴)

«هم سحائب الرّحمة و غمام الفضل و سرج الهدایة و ادلائی بین البریة ان یكونن ثابتاً علی امری.» (مانده آسمانی، ج ۸، ص ۴۰)

از تورات از مجموعه عهد قدیم:

«... چون هارون به تمامی جمعیت بنی اسرائیل سخن گفت، به سوی صحرا نگرستند و اینک جلال خداوند در ابر ظاهر شد.» (سفر خروج ۱۶ / ۱۰)

از عهد جدید:

«... ناگاه ابری درخشنده بر ایشان سایه افکند و اینک آوازی از ابر در رسید که این است پسر حبیب من که از وی خشنودم، او را بشنوید.» (انجیل متی ۱۷ / ۵)

البته کیفیت بیان مطلب در آثار مبارکه بهائی که عین بیان نازل است با متون تورات و انجیل که ترجمه ظاهری از اصل است، مورد توجه اهل نظر خواهد بود.